پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، انجمن مطالعات جهان اسلام
فصلنامه علمی (مقاله علمی-پژوهشی) پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال نهم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۸، صص ۲۸۱ - ۲۵۵

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۹۰۴۱۱

تأثیر مساله فلسطین در روابط سیاسی ایران و اسرائیل در طی سال‌های ۱۳۹۷- ۱۳۲۷

علیرضا کشاورزی نیا[۱]
محمد کلهر[۲]
سینا فروزش[۳]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۰۴ **تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۲۴**

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

چکیده

سیاست خارجی، مجموعه خط مشی‌ها، تدابیر، روش‌ها، و انتخاب مواضعی است که یک دولت دربرخورد با امور مسائل خارجی در چهارچوب اهداف کلی حاکم بر نظام سیاسی اعمال می‌نماید به عبارت دیگر سیاست خارجی بازتاب اهداف و سیاست‌های یک دولت در صحنه روابط بین المللی و در ارتباط با سایر دولت‌ها جوامع و سازمان‌های بین المللی نهضت‌ها، افراد بیگانه و حوادث و اتفاقات جهانی می‌باشد. سرزمین فلسطین به لحاظ ویژگی‌های مذهبی، جایگاه ممتازی نزد مردم مسلمان ایران دارد. تاریخ روابط ایران و اسرائیل فراز و فرودهای بسیاری را به خود دیده است و از دوران اعمال حاکمیت اسرائیل بر سرزمین فلسطین روابط دو کشور در درجات مختلفی از همکاری تا منازعه متغیر بوده است. در دوران پهلوی، با وجود مخالفت‌افکار عمومی و کشورهای عرب منطقه گاهی این روابط به صورت پنهان و آشکار وجود داشت و سال‌ها بطول انجامید. این روابط از شناسایی «دوفاکتو» ی اسراییل از جانب دولت وقت ایران آغاز می‌شود که در این خصوص دو نیروی سیاسی عمل می‌کردند: ۱. گروه مخالفان روابط ایران و اسرائیل و شناسایی آن، که شامل مخالفت‌های مردمی، علما و روحانیون و جمعی از اعضای مستقل درون حاکمیت می‌شد. ۲. حکومت پهلوی، که با مساعدت و تحت تأثیر قدرت‌های جهانی و لابی قدرتمند یهودی به شدت به برقراری و گسترش روابط با اسرائیل علاقه مند بود. تردیدی نیست که یکی از شعارهای اصلی و اولیه نهضت امام خمینی مساله دفاع از مظلومان بود که مسئله فلسطین و حمایت از فلسطینیان و دشمنی با رژیم صهیونیستی و تجاوزات آن، در صدر این هدف قرار داشته است، زیرا انقلاب اسلامی ایران حرکتی بود اصیل، که بر باورهای اسلامی مردم استوار بود. بنابراین حمایت ا ز ملت فلسطین تنها دفاع از یک سرزمین اسلامی محسوب می‌شود بلکه جلوگیری از گسترش تهدیدات اسرائیل و حمایت از منافع ملی ایران به شمار می‌آید و در صورت پیروزی انتفاضه و احقاق حقوق مردم فلسطین می‌توان گفت زمینه‌های توسعه طلبی و تهدیدات دولت اسرائیل تا حدی کاهش یافته و امکان بازسازی نظم منطقه‌ای با مشارکت دولت اسلامی فراهم می‌گردد. سؤال اصلی که دراین پژوهش بکار می‌رود این است که تأثیر مساله فلسطین در روابط سیاسی ایران و اسرائیل چگونه می‌باشد؟روش این پژوهش توصیفی- تحلیلی و استفاده از ابزار کتابخانه ای می باشد.

واژه‌های کلیدی: اسرائیل، ایران، تحولات سیاسی، فلسطین

۱. دانشجوی دکتری تخصصی تاریخ اسلام. دانشگاه آزاد اسلامی. واحد علوم و تحقیقات. تهران. ایران.
a.r.keshavarzinia@gmail.com

۲. استاد یار گروه تاریخ. دانشگاه آزاد اسلامی. واحد یادگار امام خمینی (ره) شهر ری. تهران. ایران (نویسنده مسئول)
kalhor.mohammad72@gmail.com

۳. استاد یار گروه تاریخ. دانشگاه آزاد اسلامی. واحد علوم و تحقیقات. تهران. ایران. sinaforoozesh@gmail.com

Copyright © 2010, SAIWS (Scientific Association of Islamic World Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-10]

مقدمه

یهودیان از گذشته به دلیل نوع شکل رفتاری خود که با دیگران داشتند (خود برتر بینی) مورد آزار و کین جوامعی که در آن می‌زیستند واقع می‌شدند. هرتسل بزرگ‌ترین رهبر صهیونیست‌ها، اعتقاد داشت یهودی‌ها ملتی هستند که تنها راه حل آنها در مقابل اقدامات ضد یهود، تملک یک موطن متعلق به خودشان و ایجاد دولت ملی با اختیار و استقلال کامل است. در سال ۱۹۱۷ م، زمانی که جنگ جهانی اول رو به پایان بود لرد بالفور وزیر امور خارجه انگلیس تشکیل یک سرزمین ملی یهود تحت حمایت دولت انگلیس در فلسطین را به جهانیان اعلام داشت (رضوی،۱۶:۱۳۷۹). صدور اعلامیه بالفور زمینه قانونی – سیاسی لازم را برای تشکیل آتی دولت مستقل یهود در سرزمین فلسطین فراهم کرد. پس از سال ۱۹۱۸ م، جامعه ملل، فلسطین را به تحت الحمایگی انگلیس در آورد و این کشور متعهد شد بر پایه شرایط تحت الحمایگی فلسطین، این سرزمین را به گونه‌ای اداره کند که زمینه‌های شکل گیری یک کشور مستقل فراهم شده، حقوق فلسطینی‌ها پایمال نشود. ولی انگلیس تحت فشار محافل یهودیان روز به روز یهودیان بیشتری را در این سرزمین جای داد (گل محمدی،۶:۱۳۸۱). در ۱۵ می ۱۹۴۸ م، همزمان با خروج نیروهای انگلیسی از فلسطین، رژیم اسرائیل اعلامیه استقلال خود را منتشر ساخت به این شکل رژیم اشغالگر اسرائیل در سرزمینی شکل گرفت که متعلق به ساکنان اصلی آن یعنی فلسطینیان بود. پس از آن ساکنین یهودی این مناطق جت تداوم حضور خود در این منطقه و به خصوص فلسطین از اقدامات مختلفی مانند تلاش در جهت مهاجرت یهودیان از بیشتر نقاط جهان به سرزمین‌های اشغالی، قتل و کشتار اعراب مسلمان، خرید زمین‌های فلسطینیان و غیره استفاده می‌کردند. دولت ایران پس از تشکیل جامعه ملل، به رغم نقش گسترده و فعالیت‌های دامنه دار در امر سازمان دهی آن نهاد، چنان که انتظار می‌رفت درباره مسئله فلسطین به عنوان معضل جهان اسلام، حرکت سازنده‌ای نکرد. (سبحانی،۱۳۷۷: ۵۱) پس از اعلام موجودیت اسرائیل در سرزمین فلسطین در اردیبهشت ۱۳۲۷ ش مواضع سیاسی حکومت ایران به تدریج تغییر یافت و رژیم پهلوی با هدایت ونفوذ قدرت‌ها به خصوص آمریکا به سمت اسرائیل گردید وازفلسطینیها فاصله گرفت (ولایتی، ۱۳۷۶: ۴۱) از ابتدای تشکیل رژیم‌صهیونیستی رویکرد سیاست خارجی و امنیتی اسرائیل برآموزه‌های تحریف شده مذهبی، استراتژی گسترش سرزمین و شهرک‌سازی،

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-10]

دستیابی به عمق استراتژیک، فائق آمدن بر چالش‌ها و شکاف‌های درونی و در نهایت رسیدن به آرمان اسرائیل بزرگ به عنوان تمهیدی جهت تحقق وعده‌های تورانی، استوار بوده است. اکنون و پس از گذشت ۶۰ سال از تشکیل این رژیم و سپری نمودن جنگ‌های متعدد به ویژه جنگ ۳۳ روزه، همچنین وقوف به شکاف‌ها و چالش‌های درونی و خواست افکار عمومی مبنی بر برقراری و تأمین امنیت، دولتمردان اسرائیل تصمیم به تغییر سیاست خارجی و امنیتی برای دستیابی به امنیت پایدار گرفته‌اند. این تحول شامل تصمیم این رژیم برای عقب‌نشینی ارضی و تعریف مرز و تصحیح استراتژی‌های منطقه‌ای به جای اشغالگری، سلطه و سرکوب می‌باشد. بدیهی است که این تحول پیامدها و آثاری را برای منطقه و ایران به همراه خواهد داشت. اگر چه سرزمین تاریخی فلسطین در دوران متمادی جایگاه اقوام و قومیت‌های فراوان و میزبان پیامبران الهی از جمله قوم یهود و حضرت موسی علیه‌السلام و پیامبران بنی اسرائیل بوده است، اما انبیایی که در این سرزمین هدایت را برعهده داشتند با فراز و نشیب‌های بسیاری روبرو شدند و اختلاف و تشتت آراء، عقاید و افکار در میان یهودیان به جز در زمان زعامت حضرت داود و حضرت سلیمان (ع) مشهود بوده و پراکندگی و تفرق را در میان آنان رقم زده بود. در سده‌های اخیر رویکردی نوین که برخلاف اعتقاد سنتی یهود قائل به اقامه دولت یهودی و بازگشت به سرزمین موعود پیش از ظهور ماشیاح نجات‌بخش بود، پای به عرصه گذاشت. پس از تقسیم فلسطین به دو بخش یهودی و عربی در سال ۱۳۲۷، در ایران نیز تغییراتی در شرف تکوین بود. و شاه قصد داشت تا بر دامنه قدرت خود در مقابل مجلس بیافزاید. در این زمان در ایران به علت تیر اندازی به محمد رضا شاه پهلوی در ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ که به برقراری حکومت نظامی و تقویت دربار منجر شد بخشی از جناح‌های دولتی به تأیید رژیم صهیونیستی اظهار تمایل کردند. (کاکبورن، ۱۳۷۱: ۱۴۱) و این در زمانی بود که ایران با مشکلات عدیده‌ای از لحاظ اقتصادی و سیاسی رو به رو بود و در این راه به آمریکا به عنوان یک قدرت نو ظهور چشم امید بسته بود. بنابر این حکام ایران راه نزدیکی بیشتر به امریکا را در پیش گرفتند. از این رو اسرائیل به علت نفوذ فوق العاده لابی صهیونیستی در امریکا دارای جایگاه و اعتبار خاصی در نزد سیاست مداران امریکا بود و نزدیکی بیشتر به اسرائیل در حقیقت نزدیکی بیشتر به امریکا را میسر می‌ساخت شاید بتوان دلایل نزدیک ایران و اسرائیل به صورت دو متحد استراتژیک در منطقه را بتوان به دلایل مختلفی ربط داد

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-10]

اما می‌توان دلایلی چند را که نقش برجسته‌تری را در این راه داشتند به شکل زیر بر شمرد:

– خروج رژیم صهیونیستی از انزوای سیاسی در منطقه وهم پیمانی دو رژیم با غرب.

– ترس از کمونیسم و شوروی سابق.

– در محاصره قرار دادن کشورهای عرب توسط کشورهای غیر عربی مانند ایران و ترکیه.

– کنترل جریان آزاد انرژی از خلیج فارس و منافع سرشار اقتصادی که بیشتر به نفع اسرائیل بود. (تقی‌پور، ۱۳۹۰: ۱۹).

چگونگی پیدایش اسرائیل

خاستگاه فکری و تئوریک تأسیس رژیم صهیونیستی بر اساس آنچه تئوریسین‌ها و نظریه‌پردازان صهیونی (یهودی و غیر یهودی) و به خصوص رهبران و اندیشمندان صهیونی در گذشته و اکنون تصریح کرده‌اند، متون و منابع کهن یهودی، به ویژه اسطوره‌های توراتی و تلمودی است. البته نظریه‌پردازان و رهبران صهیونی، هریک مطابق برداشت‌ها و اغراض سیاسی و فکری خود در این باره اظهارنظر کرده‌اند. فصل مشترک همه این دیدگاه‌ها، نظریه ضرورت اسکان و استقرار یهودی‌ها در سرزمینی مشخص و برپایی دولت یهودی در آن سرزمین است که عمدتاً از آن به عنوان «سرزمین موعود قوم یهود» یاد کرده‌اند. این سرزمین موعود، همانا سرزمین فلسطین است. این فرضیه صهیونی « یهودی در ادوار مختلف تاریخی همواره از سوی برخی رهبران و مقامات بلندپایه و برجسته یهودی با ابعاد و اشکال مختلف طرح و تکرار شده است (تقی‌پور، ۱۳۹۰: ۱۹).

بر این اساس، یهودیان اروپا در سال ۱۸۸۲ م، در روسیه دور هم جمع شدند تا برای جبران پراکندگی و سرگردانی خود چاره‌ای بیندیشند و به پیشنهاد هرتسل تشکیلاتی تحت عنوان آژانس یهود تشکیل شود تا برنامه مذاکرات و نقشه‌های صهیونیستها را تنظیم کند و آژانسی یهودی به وجود آید تا احتیاجات مادی و مالی نهضت را برآورده سازد. نخستین کنگره صهیونیستها در شهر بال تشکیل گردید و پس از مشورتها و مذاکرات بسیار قطعنامه‌ای صادر شد. در این قطعنامه برنامه نهضت صهیونیسم مشخص شد و فلسطین، منطقه مهاجرت و محل تشکیل ملت واحد یهود تعیین گردید. فلسطین را سرزمین اسرائیل نامیدند و پرچم صهیونیستی و شعار ملی یهود نیز تعیین گردید (فلاح نژاد،۱۳۸۱: ۲۰). هرچند اسرائیل تنها

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-10]

کشور یهودیان جهان به شمار می‌رود ولی استعداد پذیرش کلیه یهودیان جهان را ندارد و در واقع نقش مرکز قدرت جهانی یهود را ایفا می‌کند. اقلیت‌های یهودی در جهان غرب به شدت در حکومتهای خود موثرند و به خصوص این نفوذ در آمریکا بسیار شدید است. لذا نمی‌توان اسرائیل را یک کشور تحت سلطه آمریکا و غرب تلقی کرد بلکه در واقع این جهان غرب است که تحت نفوذ اسرائیل می‌باشد (فردوست،۱۳۷۱، ج ۱: ۵۵۱). سرانجام در هشتم آذرماه سال ۱۳۲۶ ش، مجمع عمومی سازمان ملل، تحت تأثیر نفوذ و پروپاگاندای آژانس یهود مصوبه‌ای جنجالی تحت عنوان تقسیم فلسطین به دو دولت مستقل عربی و یهودی را صادر و آژانس یهود را به آرزوی تاریخی خود مبنی بر تشکیل کشور اسرائیل رساند. اما این پایان کار نبود بلکه آغازی بر منازعات دیگری بود که تاثیرات ژئوپلیتیکی بسیاری بر منطقه خاورمیانه بر جای گذاشت. (علی بابایی،۱۳۶۹: ۲۰-۱۹). بنیان فکری و سیاسی صهیونیسم از ابتدای تولد همواره مورد حمایت و همراهی دولت‌های غربی به ویژه انگلستان و بعد هم ایالات متحده امریکا بوده است. تشکیل و استمرار حیات دولت اسرائیل طی دهه‌های گذشته بدون حمایت گسترده جهان غرب میسر نبود، ضمن اینکه آنان نیز در این پشتیبانی منافع خود را پیگیری نموده و به دنبال استفاده از فرصت پیش آمده برای نیل به اهداف خود بودند. اشغال سرزمین فلسطین که به لحاظ تاریخی، انسانی، هویتی و از منظر حقوق بین‌الملل مردود بود با مسامحه و همراهی قدرت‌های آن زمان صورت گرفت و این امر آوارگی ساکنان سرزمین تاریخی فلسطین را در پی داشت. پس از گذشت شش دهه از موجودیت رژیم اسرائیل همچنان مناقشه فلسطینی‌ها و اسرائیل به عنوان اساسی‌ترین مناقشه بین‌المللی، محور و کانون مناقشه جهان غرب و جهان اسلام می‌باشد و پس از دهه‌ها نقض مکرر حقوق فلسطینی‌ها، نظریه‌پردازان و هیات حاکمه اسرائیل و حامیان آنان دریافته‌اند که سیاست سرکوب و حفظ سرزمین اشغال شده، نمی‌تواند متضمن امنیت اسرائیل باشد، این در حالی است که فضای امنیتی و روانی منطقه خاورمیانه پس از شش دهه از موجودیت رژیم اسرائیل همچنان متأثر از تشکیل این رژیم است.

سلسله‌ای از تغییرات فکری، اجتماعی و جمعیتی در درون جامعه چند پاره اسرائیل در طی دهه اخیر مشهود بوده و بازتاب این تحولات در عرصه سیاسی نمودار شده است. در فضای نوین، ایده‌های تجدیدنظرطلبانه و منتقد به عملکرد صهیونیسم نیز رو به تزاید بوده و

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-10]

اعتراض به عملکرد دولت و ارتش علیه فلسطینی‌ها، رو به افزایش گذاشته است. تشکیل کشور فلسطین، دیگر نه به عنوان تهدید بلکه به عنوان نیازی امنیتی از سوی غالب افکار عمومی و سیاست‌مداران اسرائیلی نگریسته می‌شود. راه حل تشکیل دو دولت از سوی برخی از افراطیون راست‌گرا در اسرائیل و جنبش شهرک‌نشینان غیرقابل پذیرش است و آنها همچنان اتوپیای صهیونیسم را در تداوم تسلط دولت اسرائیل بر سرزمین‌های اشغالی جست و جو می‌کنند.

چگونگی پیدایش مسئله فلسطین

پس از تجزیه امپراطوری عثمانی، متعاقب جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۸ م، جامعه ملل، فلسطین را که از متصرفات عثمانی بود به تحت‌الحمایگی انگلیس درآورد. انگلستان هم متعهد شد بر پایه شرایط تحت‌الحمایگی، سرزمین فلسطین را به گونه‌ای اداره کند که زمینه‌های شکل‌گیری کشوری مستقل در آن فراهم شده و حقوق فلسطینی‌ها پایمال نشود (علی بابایی، ۱۳۶۹: ۲۰). اما دوران تحت الحمایگی انگلیس بر فلسطین با تنش‌های جدی میان اعراب و یهودیان همراه بود. با اوج گیری تشنجات میان اعراب فلسطینی و یهودیان مهاجر از یک سو و عملیات چریکی اعراب علیه تأسیسات و پایگاه‌های انگلستان در فلسطین از سوی دیگر، دولت در نوامبر ۱۹۳۶ م، انگلستان را بر آن داشت تا کمیسیونی به ریاست لرد پیل به منطقه اعزام دارد تا به تحقیق در خصوص علل ناآرامی‌ها و بررسی خواسته‌های اعراب بپردازد. این کمیسیون در گزارشی از برقراری هر گونه سازش میان اعراب و یهود، ابراز ناامیدی کرد و حتی ایجاد یک حکومت فدراتیو عربی–یهودی را مؤثر ندانست و بر پایان قیومیت و تشکیل دو حکومت مستقل عربی و یهودی در چارچوب سیستم پیمان با بریتانیا تأکید ورزید. دولت انگلستان که بلافاصله نظر کمیسیون را پذیرفته بود به دنبال عکس العمل شدید اعراب و تأکید آنها بر وحدت عربی فلسطین در کنفرانس بلودان (سوریه، سپتامبر ۱۹۳۷ م)، در سال بعد اعلام داشت که طرح تقسیم کمیسیون پیل را لازم الاجرا نمی‌داند (قانون، ۱۳۸۱: ۱۵۱). از طرفی سی سال قیومیت انگلیس بر فلسطین باعث گردیده بود تا جمعیت مستعمره نشینهای صهیونیست، دوازده برابر جمعیتی شودکه در سال ۱۹۱۷ م، در فلسطین وجود داشت. این جماعت با حمایت و عنایت بریتانیا، مؤسسات مخصوص خود را بسط داده و سازمان نظامی کاملی فراهم آورده بود. صهیونیست‌های پولدار هم طی این مدت زمین‌های فلسطینی را به

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-10]

چند برابر قیمت از آن‌ها می‌خریدند و در این راه از دلالهای ایرانی و عربی استفاده می‌کردند. لذا در آوریل ۱۹۴۷ م، کمیسیون ویژه مسئله فلسطین در سازمان ملل تشکیل گردید تا موضوع فلسطین و اسرائیل را مورد بررسی قرار داده راه حلی مرضی الطرفین ارائه دهد. یازده کشور عضو کمیسیون عبارت بودند از: ایران، هند، گواتمالا، اروگوئه، یوگوسلاوی، چکسلواکی، پرو، سوئد، استرالیا، کانادا، هلند. اعضای این کمیسیون به دو گروه اقلیت و اکثریت تقسیم شده و بر سر نحوه تقسیم و چگونگی ساختار فلسطین، به نتایج متفاوتی رسیدند. بر اساس طرح گروه اقلیت یعنی ایران، هند و یوگسلاوی، فلسطین به صورت یک کشور مستقل فدرال شامل دو ایالت عرب و یهود در می‌آمد و بیت المقدس به عنوان پایتخت آن در نظر گرفته می‌شد. اما گروه اکثریت رأی به تقسیم فلسطین به دو کشور عرب و یهود دادند (قانون، ۱۳۸۱: ۱۵۷-۱۶۱).

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

اسرائیل در جهان اسلام

اعلام تأسیس رژیم صهیونیستی در ۱۴ می ۱۹۴۸ م، واکنش و مخالفت شدید کشورهای عربی را در پی داشت و اتحاد اعراب و آغاز جنگ‌های اعراب و اسرائیل امنیت و بقای این رژیم تازه تأسیس را مورد تهدید جدید قرار داد. کشورهای عربی با تاکید بر نامشروع و غیرقانونی بودن کشور اسرائیل برای حمایت از فلسطین و تلاش در جهت آزادسازی سرزمین‌های اشغالی با یکدیگر متحد شده و به رژیم صهیونیستی حمله کردند. مبارزات گروه‌های فلسطینی با رژیم صهیونیستی در سطح داخلی، اتحاد و همکاری‌های نظامی صورت گرفته بین کشورهای عربی در قبال این رژیم، وقوع کودتای افسران آزاد در مصر در سال ۱۹۵۲ م، و روی کارآمدن جمال عبدالناصر و تاکید بر پان‌عربیسم، هم‌پیمانی مصر با شوروی و ضدیت با غرب، وحدت مصر و سوریه و جنگ‌های ۱۹۴۸ م و ۱۹۵۶ م، اعراب و اسرائیل و مواضع ضد اسرائیلی بسیاری از کشورها و مجامع بین‌المللی، مهم‌ترین تهدیداتی بود که موجودیت و بقای رژیم نوپای صهیونیستی را تهدید کرده و موجبات انزوای آن را در منطقه و نظام بین‌الملل فراهم آورده بود (عباسی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۷۶).

بنابراین، سران این رژیم با طراحی استراتژی‌های مختلفی مثل تلاش برای دستیابی به سلاح‌های شیمیایی و هسته‌ای و طراحی و اجرای راهبرد اتحاد پیرامونی تلاش می‌کردند

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-10]

با خروج از انزوا، امنیت خود را تأمین کنند. در مسیر اجرای این سیاست‌ها، کشورهای غیر عرب خاورمیانه نقش مهمی ایفا می‌کرند. در همین راستا ترکیه اولین کشور اسلامی است که اسرائیل را به رسمیت شناخت. پس از ترکیه، ایران از همسایه‌های کشورهای عربی خاورمیانه و دومین کشور اسلامی خاورمیانه بود که اسرائیل را به رسمیت شناخت. ایران که شمار فراوانی از اتباع یهودی در آن می‌زیستند و آزادانه در آنجا به کارهای مذهبی، فرهنگی، اقتصادی خود می‌پرداختند و از نفوذ و حضور در دستگاه حکومت محمدرضا پهلوی برخوردار بودند و از این‌رو، مناسب‌ترین مکان برای فعالیت‌های اطلاعاتی و عملیاتی اسرائیل به جهت تأمین امنیت آن به شمار می‌رفت و نیاز شدید ساواک به آموزش، ساز و برگ و کارشناسان موساد برای تقویت ساختار خود، زمینه‌ای برای حضور و فعالیت‌های گوناگون موساد در ایران فراهم آورد. به همین دلیل همکاری‌های نظامی و امنیتی ایران و اسرائیل افزایش یافت بجز ایران و ترکیه، دیگر کشورهای مسلمان و غیر عرب خاورمیانه همچون پاکستان و افغانستان نیز هنوز اسرائیل را به رسمیت نمی‌شناسند.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال نهم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۸

حضور یهودیان در ایران

به لحاظ تاریخی یکی از نخستین همکاری‌ها و تماسهای مشترک متقابل میان ایرانیان و یهودیان به سال ۵۹۷ قبل از میلاد باز می‌گردد. زمانیکه بخت النصر پادشاه بابل به اورشلیم حمله کرد، آنجا را غارت نمود و هزاران یهودی را اسیر کرد و به بابل برد. در سال ۵۳۸ قبل از میلاد، کوروش کبیر امپراطور هخامنشی، حکومت بابل را سرنگون نمود و یهودیان را آزاد کرد. کوروش به یهودیان وخانواده های آن‌ها اجازه داد به سرزمین خویش باز گردند. عدهای از یهودیان در بابل باقی ماندند وگروه هایی نیز به تدریج به ایران وارد شدند. انعطاف و تساهل حاکمان ایرانی بسیاری از یهودیان را قادر ساخت تا در کارهای مختلفی اشتغال یابند. تعداد زیادی از آنها رشد کردند و از دارایی زیادی برخوردار شدند و از استقلال مذهبی نیز برخوردار گردیدند. اما در زمان حکومت ساسانیان و با افزایش مداخله روحانیون زرتشتی در امور دولت، نفوذ قومیت یهودیان تضعیف گردید و محدودیتهایی برای آنها وضع شد. در اواسط قرن ۷ م، با سقوط امپراطوری ساسانی، وضعیت یهودیان نیز متحول گردید. آن‌ها به عنوان اقلیتهای غیر مسلمان از حقوق برابر با مسلمانان برخوردار نبودند، ولی حکومت

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-10]

تأمین امنیت آنها را بر عهده داشت. با روی کار آمدن صفویان در قرن ۱۶ م، مذهب شیعه به عنوان مذهب رسمی برگزیده شد و یک طبقه مذهبی با قدرتی نامحدود ایجاد گردید که در تمام حوزههای زندگی تأثیر و نفوذ داشت. در این دوران سخت گیریهای مختلفی نسبت به یهودیان اعمال می‌شد که با سقوط صفویان این سخت گیریها تقلیل یافت. ولی مجدداً در زمان سلسله قاجار این فشارها احیا شد. با شکل گیری جنبش سیاسی مشروطه و تشکیل مجلس ملی، قانونی در مجلس به تصویب رسید که بر اساس آن به یهودیان، مسیحیان و زرتشتیان حق انتخاب نماینده را اعطا می‌کرد. پس از سقوط قاجار و روی کار آمدن حکومت پهلوی، سیاست ایران در قبال اسرائیل متحول شد و دو طرف بیشتر از گذشته به یکدیگر نزدیک شدند. در دورهٔ رضا شاه، مسئله مهاجرت یهودیان ایران به فلسطین و سیاست دولت ایران در قبال مسائل آن سرزمین، از حساسیت مذهبی بالایی در داخل و خارج کشور برخوردار بود. چنانکه این موضوع باعث بروز واکنشهایی از جانب گروهها وجمعیتهای مذهبی کشورهای اسلامی و نیز علما و مردم مسلمان ایران گردید (زارع،۱۳۸۴: ۵۷). با وجود حمایت هاو جانبداری های علما و مردم از ملت فلسطین در دورهٔ رضا شاه روابط دولت ایران با فلسطینیان چندان شفاف نبود و این دولت، تلاش می‌کرد تا در قضیه درگیری اعراب فلسطینی و یهودیان، بی تفاوت باشد. پس از اعلام استقلال اسرائیل و شروع جنگ در فلسطین، حرکت مهاجرین یهودی ازکشورهای منطقه به سوی سرزمینهای اشغالی آغاز شد. در این میان، ایران به عنوان کشوری که دارای سیاست مدارا و تسامح (در مقایسه با دیگر کشورهای منطقه) بود، هدف اولیه مهاجرینی قرارگرفت که از کشور خود نمی‌توانستند به طور مستقیم سفر کنند. (کوهستانی نژاد،۱۳۸۲: ۱۰۵). از آنجا که میزان یهود آزاری در ایران بسیار کمتر از کشورهای همسایه، بویژه عراق بود، یهودیان این کشورها به ایران پناهنده می‌شدند تا در فرصت و با امکانات مناسبی خود را به (ارض موعود) برسانند. بنابراین یهودیان به صورت یکی از مشکلات حاد مسئولان سیاسی – امنیتی ایران درآمد (فردوست،۱۳۷۱: ۲۴).

بازتاب داخلی و خارجی شناسایی اسرائیل توسط ایران

الف) بازتاب داخلی

به نظر می‌رسد که زمان تصمیم گیری درباره شناسایی اسرائیل در دولت ساعد و انتشار

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-10]

خبر آن در مطبوعات، با محاسبه انجام گرفته بود؛ زیرا اولاً، تصمیم شناسایی اسرائیل در زمان فترت مجلس انجام پذیرفت. ثانیاً، اعلام خبر شناسایی در اواخر سال انتشار یافت که در ایران به مناسبت آغاز سال جدید با تعطیلی نسبتاً طولانی همراه بود. ثالثاً، رهبر اصلی مبارزات علیه اسرائیل و حامی مردم فلسطین یعنی آیت الله کاشانی در این زمان در خارج از کشور در تبعید به سر می‌برد و این مسئله برای رژیم شاه بسیار حائز اهمیت بود. رژیم شاه واکنش شدید ایشان و ایجاد موج مردمی در حمایت از فلسطین و حتی آماده شدن برای نبرد با اسرائیل را مدنظر قرار داده بود و می‌دانست که اگر کاشانی در این مقطع در ایران بود، عکس العملی به مراتب شدیدتر از گذشته نشان می‌داد.. (امینی،۱۳۸۵: ۷۳). بنابراین، شناسایی اسرائیل در داخل کشور با واکنش فوری و شدیدی مواجه نشد. تا اینکه در جریان نهضت ملی شدن صنعت نفت چهره‌ای اعتراض آمیز و انقلابی از خود نشان داد. مسئله دیگری که در عدم واکنش سریع و گسترده بی تأثیر نبود، طرح نظریه جدایی دین از سیاست بود که در حوزه‌های علمیه کم و بیش نفوذ پیدا کرده بود و بزرگان حوزه، تمایل چندانی به دخالت در امور سیاسی بویژه در بعد داخلی نداشتند. انتشار خبر شناسایی اسرائیل از سوی دولت ایران، واکنش شدید برخی از نمایندگان مجلس شورای ملی و مجلس سنا را به همراه داشت. این نمایندگان از زوایای مختلف، تصمیم گیرندگان اصلی کابینه را به زیر سئوال برده خواستار حضور در مجلس و پاسخ گویی پیرامون این موضوع مهم شدند. بدین ترتیب، شناسایی اسرائیل به صورت دو فاکتو اجرا شد و ایران سرکنسولگری خود را در بیت المقدس دایر کرد و رضا صفی نیا به عنوان نماینده فوق العاده در اسرائیل انتخاب شد.

ب) بازتاب خارجی

شکست نظامی اعراب از اسرائیل در سال ۱۹۴۸، سبب تحولاتی در برخی از کشورهای عربی شد، رژیم غیرنظامی سوریه سقوط کرد و به دنبال آن گرفتار کودتاهای پی در پی شد و بر اثر نارضایتی شدید میان افسران ارتش مصر، رژیم پادشاهی مصر نیز سقوط کرد. بر اثر وضعیت بحرانی خاورمیانه در سال ۱۳۲۸ فعالیت‌هایی از سوی برخی مقامات کشورهای منطقه از جمله پاکستان، عراق و اردن به منظور نزدیکی به ایران انجام پذیرفت، اما شناسایی اسرائیل از سوی ایران، این تلاشها را بی اثر ساخت. با انتشار خبر شناسایی اسرائیل از سوی ایران، دستگاه‌های تبلیغاتی کشورهای عربی به کار افتاد. روزنامه‌های عربی، محمد ساعد را متهم به دریافت پول

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-10]

برای به رسمیت شناختن دولت اسرائیل کردند که ممکن است با انعقاد قرارداد تجارتی بین دو کشور، نفت ایران با کالاهای صهیونیستی مبادله شود. مطبوعات عربی با دست آویز قراردادن موضوع دریافت رشوه، دولت ایران بویژه نخست وزیر وقت را به باد انتقاد گرفتند و نسبت به گسترش روابط ایران- اسرائیل و تبدیل شناسایی دو فاکتور به شناسایی دوژور -هشدار دادند. (روابط ایران و اسرائیل به روایت اسناد نخست وزیری،۱۳۷۷: ۱۰)

محافل عرب نیز رفتار ایران را همچون خنجری بر پشت کشورهای عرب تلقی کردند. مصر بیشترین واکنش را بروز داد. مطبوعات این کشور، حملات سختی را متوجه ایران ساخته خواستار قطع مناسبات دیپلماتیک بین کشورهای عربی و ایران شدند. روزنامه اخبار الیوم چاپ قاهره در احتمال فراخوانی سفرای دو کشور و عدم شرکت مقامات مصری در مراسم رسمی تشییع جنازه رضاشاه و انتقال آن از مصر به تهران خبر داد. اما سفرای دو کشور، مندرجات مطبوعات را در ارتباط با تیرگی مناسبات ایران و مصر تکذیب کردند. با وجود این، برخی منابع خبر از تیرگی روابط ایران و مصر داده گفتند که دولت مصر نه تنها از پایین کشیدن پرچم خود به مناسبت مراسم تشییع جنازه رضاشاه (در قاهره- آوریل ۱۹۵۰) خودداری ورزید؛ بلکه حتی ملک فاروق مراسم نامزدی خود را برای همان روز تنظیم کرد ((قانون، ۱۳۸۱: ص ۲-۲۱۰).

سرکنسولگری ایران در بصره در گزارش خود به وزارت امور خارجه، با ضمیمه ترجمه برخی از تفسیرها و تحلیلهای روزنامه‌های عربی درباره شناسایی اسرائیل از سوی ایران نوشت:

روزنامه الثغر چاپ بصره در شماره ۲۸ مارس ۱۹۵۰ نقل از اخبار قاهره تحت عنوان «چرا ایران اسرائیل را به رسمیت شناخت؟» نوشت: ایران در تاریخ ۱۵ مارس ۱۹۵۰ اعلام نموده که دولت اسرائیل بر اساس امر انجام شده در فلسطین، سفیرکبیر ایران در مصر را خواسته و سئوال کردند چرا ایران از جرگه دولتهای مسلمان به طور عموم و دولتهای عرب به طور خصوص که تصمیم به عدم شناسایی اسرائیل نموده‌اند، خارج شد. آقای دشتی خاطرنشان ساخت که دولتهای مسلمان، به خصوص دولتهای عرب تقریباً اسرائیل را به رسمیت شناخته‌اند؛ و الا قرارداد متارکه جنگ با کسی منعقد گردیده است؟ دولت‌های عرب و مسلمان با دولت اسرائیل وارد مذاکراتی شده‌اند و قراردادهای متارکه جنگی را به امضا رسانده‌اند. آیا مذاکرات آنها با دولت مزبور تقریباً با مرحله شناسایی نمی‌رسد؟ معزی الیه

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-10]

ضمناً اضافه نمود که علت شناسایی ایران این است که ایران دارای منافع متعددی در فلسطین، مخصوصاً در خود اسرائیل می‌باشد و حتی بین پناهندگان، عده زیادی اتباع ایرانی وجود دارد. به علاوه، شناسایی اسرائیل این معنی را نمی‌رساند که ایران همواره در صف اعراب ایستادگی نخواهد نمود. بلکه برعکس، سیاست ایران به طور قطع مؤید دولتهای عرب و مسلمان می‌باشد. سپس آقای دشتی چنین اظهار داشت: لازم است انسان بین شناسایی و بین معامله نمودن با ایجاد مناسبات با آن، فرقی قائل شود. نماینده روزنامه الاهرام به آقای سفیر کبیر اظهار داشت از قراری که ملاحظه می‌شود. ایران اسرائیل را به رسمیت نشناخته؛ مگر پس از تشریف فرمایی اعلی حضرت همایونی شاهنشاه ایران به امریکا و آیا این مسافرت اثری در این شناسایی داشته است یا خیر؟ معزی الیه در پاسخ اظهار داشت که معتقد است اثری داشته، ولی دیرزمانی است که بین دو کشور قبل از مسافرت اعلی حضرت همایونی شاهنشاه ایران به خصوص راجع به اتباع ایرانی مقیم اسرائیل که قسمتی از آنها به لبنان و کشورهای هم جوار پناهنده شده بودند، مذاکراتی جریان داشته است و آنچه برای ایران قابل اهمیت است، این است که اتباع ایرانی مقیم فلسطین به سرکار و خانه خود بازگشت نمایند و به منافع یا املاک آنها صدمه وارد نشود (مرکز اسناد مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، سند شماره ۱۵۷-۲۵۱، ع، ص ۲۳).

روزنامه صوت الناس چاپ بصره در شماره ۲۸ مارس ۱۹۵۰ به نقل از «آخرین ساعت» می‌نویسد:

وزیر یهودی استوارنامه نماینده ایران در فلسطین را پس از اینکه ایران دولت اسرائیل را به رسمیت شناخت، دریافت نموده و از نماینده ایرانی پذیرایی کرده است (مرکز اسناد مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، سند شماره ۱۵۷-۲۵۱، ع، ۲۴). واکنش مطبوعات عربی حتی بعد از گذشت چندین ماه از شناسایی اسرائیل، متوقف نشد و عکس العملها همچنان ادامه داشت. روزنامه النصر مورخ ۱۸/۹/۱۹۵۰ چاپ دمشق به نقل از مقاله «اسرائیل رشوه می‌دهد» روزنامه الزمان بغداد نوشت. روزنامه الزمان بغداد می‌گوید که اطلاع حاصل نموده است مذاکرات سری اکنون بین ایران و اسرائیل در جریان است که در حدود سه میلیون دینار برای پیشرفت طرحهای بنادر ایران به این کشور قرض بدهند. آنچه معلوم است، ایران کاملاً دولت اسرائیل را در مقابل این فرض خواهد شناخت و اضافه می‌نماید که این مذاکرات ممکن است

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-10]

نتیجه‌اش بستن یک قرارداد تجارتی بین دو کشور برای تبادل نفت ایران و کالاهای صهیونی بشود. نیز می‌گوید که انتظار می‌رود کشورهای عربی کنفرانس اقتصادی را که می‌بایست در تهران در ماه نوامبر انعقاد یابد، ملغی سازند.

این خبر در روزنامه المنار هم با این عنوان که «اسرائیل سه میلیون دینار به ایران قرض می‌دهد که ایران طرح بناهای خود را عملی سازد و انتظار می‌رود قرارداد بازرگانی برای داد و ستد نفت ایران و کالاهای صهیونی بسته شود» انتشار یافته است. (روابط ایران و اسرائیل به روایت اسناد نخست وزیری،۱۳۷۷: ۳-۷۲) به طور کلی، شناسایی اسرائیل از سوی دولت ایران سبب تیره شدن مناسبات ایران با جهان عرب شد و حالت خصومت آمیزی نسبت به ایران در کشورهای عربی به وجود آورد.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

قیام پانزده خرداد، نقطه عطف مبارزه آشکار با اسرائیل

در اوایل دهه ۱۳۴۰، لزوم بازنگری و تجدیدنظر در سیاست خارجی امریکا، مورد توجه جان. اف.کندی رئیس جمهور جدید امریکا قرار گرفت. بخشی از این سیاستها، با عنوان اصلاحاتی در کشورهای وابسته همانند ایران، برزیل و آرژانتین به منظور پیشگیری از جنبشهای آزادیخواهانه مطرح شد. علاوه بر این، تقویت موقعیت اسرائیل در منطقه خاورمیانه از دیگر مسائل موردنظر امریکا به شمار می‌رفت. از این رو، سیاست مداران امریکا به منظور تحقق اهداف خود همواره مقامات ایران را تحت فشار قرار می‌دادند.

بنابراین، شاه می‌بایست از نظر داخلی به اصلاحات مورد نظر امریکا می‌پرداخت و از جهت خارجی نیز روابط خود را با اسرائیل گسترش بخشیده مشروعیت و رسمیت آن را مجدداً مورد تأیید قرار می‌داد. با رحلت آیت الله بروجردی در فروردین ۱۳۴۰، شاه احساس کرد زمان مناسب برای اجرای اصلاحات فراهم آمده است. بنابراین، با انتخاب علی امینی به نخست وزیری درصدد اجرای اصلاحات برآمد. اما پس از مدتی، از افزایش قدرت امینی بویژه به دلیل اعتماد کامل امریکا به او نگران شد و در سفری به امریکا به مقامات آن کشور قول داد که حاضر است خودش اصلاحات را به انجام رساند. بدین ترتیب، علی امینی کنار رفت و اسدالله علم جای وی را گرفت.

طرح مسائلی هم چون مصوبه انجمنهای ایالتی و ولایتی، به رفراندوم گذاشتن اصول

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-10]

هفت گانه با عنوان انقلاب سفید، و نفوذ صهیونیستها در امور کشور و در واقع، به خطر افتادن استقلال کشور، سبب شد تا امام خمینی از اواسط سال ۱۳۴۱ رهبری نهضت اسلامی را در مقابله با سیاستهای تحمیلی امریکا به عهده گرفته مبارزه را آغاز کند. ایشان با بهره گیری از موج احساسات ضد اسرائیلی در ایران و با توجه به اطلاعات دقیق از روابط پنهانی شاه با اسرائیل، شدیدترین واکنشها و حملات را به سمت روابط ایران و اسرائیل نشانه رفتند از جمله در سخن رانی تاریخی ۱۳ خرداد ۱۳۴۲ مقارن با عصر عاشورا در جمع روحانیون گفتند:

... روابط ما بین شاه و اسرائیل چیست که سازمان امنیت می‌گوید از اسرائیل حرف نزنید، از شاه هم حرف نزنید. این دو تا تناسبشان چیست؟ مگر شاه اسرائیلی است؟ به نظر سازمان امنیت، شاه یهودی است؟ ...(فلسطین از دیدگاه امام خمینی (ره)، ۱۳۷۳: ۲۷) در واقع قیام پانزده خرداد نقطه عطف مبارزه امام (ره) با حکومت پهلوی به خاطر روابط شاه با اسرائیل به شمار می‌رود. ایشان پس از این رخداد، همواره در سخن رانیها و اعلامیه‌های خود با افشاگری روابط پنهانی رژیم شاه و اسرائیل پرداخته، مقابله با خطر نفوذ اسرائیل در ایران و جهان اسلام را بسیار جدی و پی گیرانه دنبال می‌کرد.

پیامدهای ناشی از قیام پانزده خرداد ۱۳۴۲ سبب شد که با وجود اصرار مقامات اسرائیل، بویژه دیوید بن گوریون مبنی بر برقراری مناسبات رسمی سیاسی بین دو کشور، شاه ناتوانی خود را نسبت به رسمی شدن روابط به مقامات اسرائیل اعلام کند. با وجود این، سیاست توسعه روابط دو کشور و عادی سازی حضور اسرائیلیها در ایران حاکم بود؛ اما نگرانی شاه از واکنش کشورهای تندرو عربی و مخالفان داخلی هم چنان ادامه یافت. این رو، مقام‌های ایرانی همواره می‌کوشیدند تا همکاری آنها با اسرائیل محرمانه بماند و هرگاه مطبوعات اسرائیلی، خبر ملاقات‌های دو کشور را منتشر می‌کردند، با واکنش شدید شاه و دیگر مقامات ایرانی مواجه می‌شدند.

مسئله فلسطین و اسرائیل در دولت‌های ایران

رژیم صهیونیستی از بدو تشکیل با مجموعه‌ای از کشورهای دشمن در اطراف خود مواجه بود که موجب می‌شد بقا برای این رژیم از اهمیت حیاتی برخوردار گردد. همان‌گونه که مایکل برچر بیان کرده است: منطقه خاورمیانه از دید اسرائیل از بدو تشکیل تا دهه‌های متمادی

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-10]

متشکل از سه دایره تودرتو بود که در دایره درونی یا مرکز، کشورهای عراق، اردن، لبنان، سوریه و مصر قرار داشتند. در دایره بعدی که به‌عنوان کشورهای پیرامونی از آن‌ها یاد شده کشورهای الجزایر، ترکیه، تونس، عربستان سعودی، کویت، ایران، اتیوپی و قبرس و در لایه بیرونی کشورهای لیبی، مراکش، سومالی، یمن و سودان جای می‌گرفتند. به جز کشورهای غیر عرب پیرامونی اسرائیل یعنی ایران، ترکیه، اتیوپی و قبرس کلیه کشورهای دیگر دشمن محسوب می‌شدند (اسلامی،۱۳۸۸: ۱۶۱) به عبارتی دقیق‌تر، اعلام تأسیس کشور اسرائیل در ۱۴ می ۱۹۴۸ م، واکنش و مخالفت شدید کشورهای عربی منطقه خاورمیانه را به‌همراه داشت و اتحاد اعراب و آغاز جنگ‌های اعراب و اسرائیل امنیت و بقای این رژیم تازه تأسیس را به شدت مورد تهدید قرار داد. این وضعیت، سبب شد دولت اسرائیل برای خروج از انزوا و مقابله با اعراب، اقدامات و راهبردهای متفاوتی را در پیش بگیرد. شدت یابی بحران بین اعراب و اسرائیل بعد از به قدرت رسیدن جمال عبدالناصر در مصر، جنگ ۱۹۵۶ م، سوئز و وحدت سوریه و مصر، امنیت این رژیم را بیش از پیش با خطر مواجه کرد. دیوید بن‌گوریون نخست وزیر وقت اسرائیل راهبردی تحت عنوان «اتحاد پیرامونی» که بر اتحاد و برقراری روابط با کشورهای مسلمان غیرعرب نظیر: ایران، ترکیه و اتیوپی مبتنی بود را طراحی و در اولویت سیاست خارجی خود قرار داد (عباسی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۷۵). در فاصله ماه می ۱۹۴۸ م (زمان تأسیس رژیم اسرائیل) تا ماه مارس ۱۹۵۰ م (زمانی که ایران دولت اسرائیل را به رسمیت شناخت)، سیاست ایران در قبال اسرائیل نامشخص بود. از سویی با توجه به قدرت نیروهای اسلامی در داخل کشور و احساسات عمیق اسلامی که در تار و پود جامعه ریشه دوانده بود، حکومت پهلوی نمی‌توانست تا مدتها هیچگونه حرکتی برخلاف منافع مسلمین انجام دهد. وضعیت نیروهای موافق و مخالف رژیم اسرائیل به گونهای بود که حکومت پهلوی جسارت شناسایی اسرائیل را نداشت و هرچند در اظهار نظرهای مقامات رسمی، به طور قطعی در مورد شناسایی و یا عدم شناسایی اظهار نظر نمی‌شد، با این حال دولت شاهنشاهی ایران در اسفند ماه ۱۳۲۸ ش، یعنی یک سال و اندی پس از برپایی رژیم اسرائیل، آن را به صورت دوفاکتو رسمی دانست. (کفاش،۱۳۸۸: ۷۵)

در نامه‌ای که در همین ارتباط از سوی علی اصغر حکمت وزیر امور خارجه وقت به عباس صیقل سر کنسول ایران در بیت المقدس ارسال شده چنین آمده است: ((...در قسمت نظریه

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-10]

وزارت امور خارجه در باب شناسایی یهود برای اطلاع شخص شما اضافه می‌شود که اصولاً روش دولت ایران در این خصوص با نظریه سایر دول اسلامی یکسان بوده و از این روی به نمایندگی شاهنشاهی در سازمان ملل متحد دستور داده شده است که به ورود دولت اسرائیل در سازمان ملل متحد رأی مخالف بدهد و نیز دولت فعلاً تصمیمی برای شناسایی حکومت اسرائیل ندارد)). (ولایتی،۱۳۸۳: ۲) در پاسخ به استعلام سرکنسولگری ایران در استانبول از وزارت امورخارجه درباره خبر شناسایی اسرائیل از سوی ایران در آینده نزدیک چنین پاسخی ارسال می‌گردد: ((هنوز دولت شاهنشاهی تصمیمی درباره شناسایی اسرائیل اتخاذ ننموده ... ولی تکذیب خبر هم در این حال ضرورت ندارد)). (ولایتی،۱۳۸۳: ۲) روابط ایران و اسرائیل در واقع نمود برجسته‌ای از پنهان کاری‌های سیاسی و ظاهر سازی های عوام فریبانه بود. در این دوره مشی سیاست خارجی ایران در قبال اسرائیل بر این اساس بود که ایران و اسرائیل در پایتخت‌های یکدیگر نمایندگی فعال و حضور جدی داشتند، ولی حتی در زمانیکه روابط به بیشترین و بالاترین سطح رسیده بود نیز برای جلوگیری از اعتراضات فزاینده اعراب، به طور غیر رسمی رفتار می‌شد و هیچ گاه این روابط رسمیت نیافت. (ولایتی،۱۳۸۳: ۲۴).

کشور ایران در این دکترین اسرائیل جایگاه ویژه‌ای داشت و پیرو اجرای این استراتژی توسط اسرائیل همکاری‌های امنیتی، اقتصادی و سیاسی مختلفی بین ایران و اسرائیل شکل گرفت. پس از اشغال فلسطین در اواخر دهه ۴۰ میلادی و در طول جنگ‌های ادواری اعراب و اسرائیل در دهه‌های ۵۰، ۶۰ و ۷۰ میلادی، رهبران عرب با مقاومت آن چنانی در برابر حاکمیت و تسلط خود بر جوامع روبرو نبودند. در جنگ‌های سال ۱۹۵۶، ۱۹۶۷، ۱۹۷۳ اگر چه اسرائیل در پایان پیروز نبرد بود، اما افکار عمومی عربی رهبران خود را نه به دلیل عدم ایستادگی در برابر صهیونیست‌ها بلکه به دلیل عدم وحدت و انسجام کافی مورد سرزنش قرار می‌دادند. (Golan,2008, 2). فضای سیاسی در اسرائیل طی چند سال گذشته و پس از ارائه طرح آریل شارون در آوریل سال ۲۰۰۴، مبنی بر خروج اسرائیل از شهرک‌های یهودی‌نشین در نواز غزه به کلی دگرگون گردید و به زعم برخی تحلیل‌گران «زلزله‌ای سیاسی» در اسرائیل اتفاق افتاد. (چامسکی، ۱۳۸۷، ۱۰)

دولت اسرائیل به ریاست اهود اولمرت، چند ماه پس از بر روی کار آمدن وارد جنگی ۳۳ روزه با حزبا... لبنان گردید. به اذعان اکثر تحلیل‌گران، بخش اعظم افکار عمومی و مقامات

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-10]

سیاسی و نظامی در منطقه و حتی در داخل اسرائیل، نتیجه این جنگ، عدم دستیابی به اهداف اعلام شده و شکست قدرت نظامی ارتشی بود که تا قبل از آن داعیه شکست‌ناپذیری داشت. آنچه پس از آتش بس و در پایان جنگ در صحنه داخلی اسرائیل مشاهده گردید علاوه بر وجود نوعی جو یاس و شکست در بین افکار عمومی، رویارویی مجدد جبهه راستگرایان سیاسی و بنیادگرایان مذهبی با نخست‌وزیر و کابینه وی بود. (کسرایی، ۱۳۸۶، ۱۴) پس لرزه‌های جنگ ۳۳ روزه فضای همواره ملتهب و ناآرام سیاسی اسرائیل را دستخوش تغییرات جدی نموده و باعث تقویت مواضع نیروهای دست راستی در اسرائیل شد بطوری که می‌توان شاهد تغییرات احتمالی رویکردهای امنیتی و سیاسی اسرائیل در سطح منطقه در آینده بود

به موازات این تغییرات اجتماعی و سیاسی در داخل، اسرائیل با معادلات تازه‌ای نیز در سطح منطقه مواجه گردیده بود. پس از تحولات سیاسی گسترده در سطح منطقه خاورمیانه و تلاش آمریکا به عنوان اصلی‌ترین و مهمترین حامی اسرائیل به منظور تغییر در جغرافیایی سیاسی منطقه خاورمیانه، دولت یهود در پی تدوین سیاست‌های نوین امنیتی متناسب با شرایط جدید داخلی و منطقه‌ای برآمد. در چنین فضایی، اسرائیل تهدیدی قریب‌الوقوع علیه امنیت سرزمینی خود از جانب اعراب احساس نمی‌کرد و مهمترین تهدید خود را ایران و نیز نیروها و جریان‌های حامی ایران در سطح منطقه و به طور مشخص حماس و حزب ا.. می‌دید. (Kelly, 2006, 5) در چنین فضای منطقه‌ای و پس از انتخابات ژانویه سال ۲۰۰۶ در فلسطین و پیروزی چشمگیر حماس به عنوان جنبشی که اسرائیل را به رسمیت نمی‌شناخت و خواستار نابودی آن بود، اسرائیل با معادله‌ای متفاوت مواجه گردید. (مهدوی، ۱۳۹۳: ۱۵۵–۱۵۶). در دوران بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ شاه دارای قدرت بسیاری شد و توانست بر تمام ارکان کشور سلطه یابد. مصدق را از میدان به در کرده و نیروهای مذهبی را نیز به حاشیه رانده بود. در این زمان شاه احساس می‌کرد که باید به قدرت نو ظهوری به نام امریکا بیش از اینها نزدیک شود. در این میان هر روز از قدرت انگلیس در جهان کاسته می‌شد و این قدرت استعماری هر روز سنگرهای بیشتری را خالی می‌کرد در حقیقت جای خود را به امریکا می‌داد. در این زمان رژیم صهیونیستی که از قدرت‌های پشت پرده لابی صهیونیسم در امریکا برخوردار بود دارای جایگاه خاصی در سیاست خارجی شاه گردید. و بدین ترتیب زمینه نزدیکی هرچه بیشتر دو رژیم حامی غرب در منطقه بیش از پیش فراهم شد.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-10]

رژیم صهیونیستی نیز برای خروج از انزوای ایجاد شده توسط اعراب بی صبرانه منتظر موقعیت بود. دولت اسرائیل با استناد به سیاست کورش کبیر درباره یهود، طی نامه‌ای به محمد رضا شاه از ایران خواستار رسمیت یافتن روابط ایران و اسرائیل (شناسایی دوژور) شد. در بهمن ۱۳۳۵ بدون شناسایی دوژور اسرائیل توسط ایران، دکتر زوی دوریل DrZvi Doriel – رییس آزانس یهود به عنوان نماینده اسرائیل در ایران پذیرفته شد. همچنین در همین سال تیمور بختیار برای برقراری رابطه ساواک و موساد راهی اسرائیل شد. (مافی، ۱۳۸۵: ۶)

سرانجام ایران در سال ۱۳۳۸ مایر عزری meir ezri) یهودی ساکن اصفهان را به عنوان نماینده مستقیم و در حقیقت سفیر اسرائیل در ایران پذیرفت و تا سال ۱۳۵۲ در همین مقام بود. (لعلی، ۱۳۸۷: ۹)

مناسبات دو رژیم ایران و اسرائیل در عرصه امنیتی و اقتصادی حائز اهمیت بود. در عرصه امنیتی هر دو کشور می‌توانستند با ایجاد نوعی اتحاد، دشمنان مشترکشان، یعنی اعراب و شوروی، را از ایجاد تهدیدی جدی دور نگه دارند. اسرائیل با اتحاد با ایران، از یک‌سو می‌توانست از محاصره سیاسی منطقه‌ای خارج و با دیگر کشورها رابطه برقرار سازد و از سوی دیگر، کشورهای عربی را در محاصره کشورهای غیر عربی (نظیر ایران و ترکیه) قرار دهد. ایران نیز به سبب دشمنی اعراب، به‌ویژه مصر در دوران جمال عبدالناصر و عراق با حکومت شاه، می‌توانست با برقراری رابطه با دشمن اصلی کشورهای عربی، امنیت خویش را تضمین نماید.

تصادفی نبود که در سایه بروز اختلاف میان شاه و جمال عبدالناصر، مناسبات ایران و اسرائیل بیش از پیش تقویت گردید. این امر موجب شد برخی چنین تصور نمایند که ایران به شکل دوژور و کامل اسرائیل را به رسمیت شناخته است. افزون بر این، شاه ایران از طریق همکاری‌های گسترده میان موساد و ساواک می‌توانست امنیت داخلی خویش را تضمین نماید. همچنین همکاری‌های نهایی میان ایران و اسرائیل افزایش یافت و اسرائیل به تسلیح شاه ایران مبادرت نمود (نانی،۱۳۷۷: ۱۶) در ادامه به بررسی روابط ایران و اسرائیل در دولت‌های ایران و در مقطع زمانی مورد پژوهش پرداخته می‌شود. در این دوران، همزمان با مخفی‌کاری رژیم پهلوی و دولت هژیر در برابر اسرائیل، روحانیون و تشکیلات مذهبی داخل کشور به صورت علنی به مخالفت با اسرائیل برخاستند. در روز جمعه ۳۱ اردیبهشت ۱۳۲۷

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-10]

ش، مرحوم آیت‌الله کاشانی ضمن ایراد خطابه‌ای در مسجد سلطانی اظهار داشت: ... بعضی از دول، بدون مجوز قانونی فلسطین را که از مراکز مقدسه اسلام و محل مسجد اقصی که قبله اول مسلمین است و سالیان دراز، وطن و مسکن مسلمانان به شمار می‌رفت و بر آن حکومت می‌کردند و طی صدها سال جنگهای صلیبی و دادن میلیونها کشته نتوانسته‌اند این سرزمین مقدس را از دست مسلمین به درآورند و اکنون وطن یهودیانی که از نقاط مختلف عالم به آنها مهاجرت کرده، شناخته‌اند. در صورتی که حکومت اسلامی از قدیم الایام بر فلسطین حق ثابت است، دست تعدی دراز نموده و با چنگالهای آلوده به فساد و ظلم خود، خانمان برادران مسلمان را در هم ریخته و خون آنان را بی رحمانه بریزند. در پایان مراسم قطعنامه‌ای در شش ماده علیه دولت صهیونیستی صادر شد. در این قطعنامه مردم از دولت و مجلس خواسته بودند که از مساعدت و همکاری با مسلمانان در قضیه فلسطین کوتاهی نکند و از اقامت یهودیانی که از ممالک عرب به ایران آمده‌اند، جلوگیری به عمل آید و در خاتمه به آن دسته از یهودیان داخلی که در تقویت مالی یهودیان اسرائیلی تلاش می‌کردند، هشدار داده شده بود که از مجازات شدید مصون نخواهند بود. (مدنی،۱۳۶۱: ۴۰-۳۹). حضرت آیت الله العظمی بروجردی با انتشار بیانیه‌ای ضمن اظهار تأسف از اعمال یهودیان در فلسطین خواستار اجتماع و وحدت صفوف مسلمانان ایران و سایر ممالک در مقابل یهود شد. اما رژیم شاه علیرغم احساسات ضداسرائیلی مردم تسهیلات فراوانی در اختیار صهیونیست‌ها و آژانس یهودیان قرار داد تا یهودیان فراری از کشورهای عربی را از طریق ایران و ترکیه به فلسطین اشغالی منتقل سازندکه عاملی برای تقویت نظامی و اقتصادی اسرائیل به حساب می‌آمد. تظاهرات و افزایش هیجانات ملی نقش اصلی در استعفای دولت حکیمی داشت. (تقی‌پور، ۱۳۹۰: ۱۹۱).

فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

ایران و اسرائیل بعد از پیروزی انقلاب اسلام

با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران یکی از مسائل مهمی که سرلوحه سیاست خارجی ایران قرار گرفت محو رژیم اشغالگر قدس بود که امام بارها در بیانات خویش به آن اشاره کرده بودند. امام خمینی (ره) در دورانی که در تبعید بودند همیشه روابط سیاسی ایران و امریکا و اسرائیل را برای دنیای اسلام خطرناک می‌دانستند. به همین دلیل هنوز چند روزی از پیروزی انقلاب اسلامی ایران نگذشته بود که دولت موقت جمهوری اسلامی ایران در ۲۹ بهمن

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-10]

۱۳۵۷ رابطه ایران با اسرائیل را قطع کرد و یاسر عرفات رهبر فلسطینیان را به عنوان نخستین رهبر یک کشور خارجی به خاک ایران پذیرا شد و پرچم فلسطین را بر بام سفارت رژیم صهیونیستی بر افراشت

بدیهی بود که انقلاب اسلامی که یکی از آرمان‌های اصلی‌اش حمایت از مسلمانان جهان بود، مسئله فلسطین را در صدر اهداف خود قرار دهد. سیاست خارجی منطقه‌ای ایران در این زمان براساس مخالفت‌های جدی علیه اسرائیل قرار گرفت. البته تا قبل از شروع جنگ تحمیلی، رابطه با سازمان آزادی‌بخش فلسطین و ضدیت با اسرائیل در یک مسیر قرار داشت، اما بعد از حمایت سازمان آزادی‌بخش فلسطین از عراق و عرب‌گرایی آن، مخالفت با اسرائیل با حمایت از آرمان فلسطینی‌ها و به‌رغم تنش در روابط ایران و ساف، توام گردید. (عاقلی،۱۳۹۴: ۴۲۱). توجه ایران به قضیه فلسطین موقعیت استراتژیک و حساس آنست. سرزمین مسجد الاقصی به عنوان اولین قبله گاه مسلمانان و مزار انبیای بزرگی مانند حضرت سلیمان و ... موجب شده است که این سرزمین مورد توجه و احترام همه پیروان ادیان مختلف قرار گیرد و همین مسئله موجب می‌شود که فلسطین اشغالی کانون توجه جهانیان شود. در این میان مبارزه فلسطین و اسرائیل در حقیقت یک نبرد نامحسوس بین اسلام و کفر است. به عبارت دیگر اگر اسرائیل دارای ثبات شود و نقشه یهودیان با حمایت استکبار جهانی در مشروعیت بخشی به یک کشور مستقل یهودی، عملی شود آن وقت به علت منطقه حساس فلسطین این مسئله بعنوان شکست در کارنامه اسلام و مسلمین ثبت می‌شود. همچنین مبارزه ایران با اسرائیل از یک سو برای حفظ امنیت و منفعت کشور ماست چرا که اگر اسرائیل در فلسطین اشغالی پیروز شده و ثبات یابد، بی شک نقشه اشغال جهانی خود بویژه از نیل تا فرات را عملی خواهد کرد. آنگاه امنیت ما مورد خطر جدی اسرائیلی‌ها قرار خواهد گرفت.

در صورت ثبات و پیروزی اسرائیل به عنوان نماد واقعی یهود و هر گونه شکست فلسطینی‌ها در این نبرد این شکست به نام اسلام ثبت خواهد شد. پس باید جلوی ثبات و قوام اسرائیل را گرفت.

از طرفی تئوری تشکیل حکومت جهانی اسلام با به رخ کشیدن قدرت مسلمانان در مقابل یهودیان در فلسطین امکان پذیر است، برای صدور انقلاب و اعلام برنامه‌های اسلامی بهترین منطقه فلسطین است.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-10]

امام خمینی مساله فلسطین و انقلاب اسلامی ایران و ملت مسلمان فلسطین را دارای پیوند ناگسستنی و محکم دانسته‌اند در زمانی هم که امام در نجف ساکن بودند نمایندگان سازمان الفتح در نجف اشرف به دیدار امام شتافتند و توطئه‌های استکبار جهانی و صهیونیسم و عوامل آن را برای سرکوبی جنبش‌های رهایی بخش فلسطین را با امام مطرح کردند (محتشم، ۱۳۸۶: ۹)، اسرائیل به سبب عدم موفقیت در برقراری رابطه با ایران سعی می‌کرد تا کشورمان را در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی منزوی سازد. و دشمنی با ایران را در سرلوحه سیاست خارجی خود قرار داد. برخی بر این باورند که حمله عراق به ایران با تحریک صهیونیست‌ها صورت گرفته است همچنین دشمنی‌های مخفیانه دیگری نیز طی سال‌های جنگ نسبت به ایران صورت گرفت، اما درست پس از پایان اشغال کویت بود که اسرائیل به دشمنی علنی با ایران پرداخت و هدف خویش در نابودی جمهوری اسلامی را آشکار ساخت در حال حاضر، سیاست خارجی اسرائیل در مورد ایران به‌طور عمده بر محور ایجاد ائتلافی بر ضد این کشور است و حتی حاضر به ایجاد جنگ علیه ایران نیز می‌باشد (Baroud,2008: 6) صهیونیسم بین الملل دارای نفوذ بسیاری در بازارهای مالی و همچنین رسانه‌های مهم دنیا می‌باشد. و از سوی دیگر با نفوذ خارج از تصوری که این لابی صهیونیستی در نهادهای تصمیم گیری در ایالات متحده دارد، توان تهاجمی بسیار بالایی را به رژیم صهیونیستی در سطح جنگ نرم داده است. تحریم‌هایی که از سوی امریکا علیه ایران اعمال می‌شود و تبلیغات رسانه‌ای موهومی که در باره ایران از رسانه‌های مهم دنیا در باره ایران پخش می‌شود اگر نگوییم همه آنها، قسمت اعظم آنها از سوی صهیونیست‌ها اعمال می‌شود رژیم صهیونیستی دردو بعد خود را برای حمله به ایران آماده کرده است ": یکی در بعد نرم افزاری و در قالب جنگ نرم است که با جنگ روانی از طریق رسانه‌ها صورت می‌گیرد و هم اکنون نیز ادامه دارد به خصوص در مقوله برنامه‌های هسته ایران تلاش‌های بسیار گسترده‌ای برای قبولاندن این نکته به جهان است که ایران قصد دستیابی به سلاح اتمی است و در این راه حتی آژانس انرژی اتمی و شورای امنیت سازمان ملل را نیز در پاره‌ای از موارد با خود همراه کرده است. و در صدد دامن زدن به شایعات و اهاماتی است که در منطقه به ایران نسب می‌دهد تا باعث انزوای ایران شود دیگری در بعد سخت افزاری است و یا برخورد نظامی با ایران است (ازغندی، ۱۳۸۴: ص ۴۱۰). در این میان اسرائیل سه مساله را در سر لوحه خود قرار داده است:

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-10]

– حمله به تاسیسات هسته‌ای ایران همان گونه که به تاسیسات □ اوسیراک □ در عراق حمله کرد. اما این امر بسیار مشکل می‌نماید چون ایران کشوری پهناور است و تاسیسات هسته‌ای آن نیز دران پراکنده بوده و دارای امنیت بسیار بالایی هستند و دیگر اینکه ایران توان مقابله به مثل دارد.

– ترور شخصیت‌ها و نخبگان ایران با همکاری امریکا: که این امر را نیز در اوایل انقلاب انجام دادند واگر قرار بود نتیجه‌ای در بر داشته باشد آن زمان وضعیت کشور بسیار نابسامان بود نتیجه بخش بود.

– تحریک امریکا و کاخ سفید برای حمله به ایران و اشغال ایران همانند عراق: اشتباه استراتژیک غرب و صهیونیسم در این است که ایران را با کشور دیگر خاورمیانه مقایسه می‌کنند. درحالی که تاریخ و روند سیاسی در ایران با کل منطقه خاور میانه فرق دارد. (ساجدی، ۱۳۸۷). ایران کشوری است که به دو دلیل دارای نفوذ در منطقه خاور میانه و قفقاز است یکی به دلیل دینی و دیگری به دلیل تمدنی است که این امر به طبع نفوذهای سیاسی غیر قابل تصوری برای ایران در پی داشته است. هرگونه حمله به ایران به سرعت به کل منطقه خاورمیانه و قفقاز کشانده خواهد شد و این چیزی نیست که امریکا و یا هر کشور دیگری توان کنترل آن را داشته باشد و چه بسا به یک جنگ جهانی منجر شود که تمام جهان را به کام خود خواهد کشید. به هر روی روابط ایران و رژیم صهیونیستی در زمان حاضر بسیار خصمانه است و ایران اعلام کرده که این رژیم را به رسمیت نمی‌شناسد. و تا زمانی تمام آوارگان فلسطینی به موطن خویش بازنگردند و با رأی خود حکومتی انتخاب نکنند مساله فلسطین حل نخواهد شد. در این میان شانتاژهای تبلیغاتی و فشارهای روانی بر ایران برای تن دادن به خواست‌های صهیونیست‌ها و غرب نمی‌تواند مؤثر باشد. (روشندل، ۱۳۷۷: ۱۶) از لحاظ اقتصادی نیز روابط دو کشور حائز اهمیت بود. ایران منبع اصلی صادرات نفت به اسرائیل بود، به گونه‌ای که طی دو جنگ ایران عمده‌ترین تأمین‌کننده نفت اسرائیل بود. ایران پهلوی احتیاجات نفتی اسرائیل را تأمین می‌کرد، در مقابل، اسرائیل به صدور کالاهای صنعتی ساخت این کشور و نیز تسلیحات به ایران مبادرت می‌نمود. ایران همچنین در طرح‌های کشاورزی و صنعتی خویش از اسرائیل استفاده می‌نمود. یکی از بزرگ‌ترین طرح‌های کشاورزی که اسرائیلی‌ها نقشی فعال در راه‌اندازی و اداره آن به عهده داشتند، طرح کشت و صنعت قزوین

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-10]

بود. سرمایه‌داران اسرائیلی همچنین در تعدادی از بانک‌های مختلط و شرکت‌های تولیدی و خدماتی ایران سرمایه‌گذاری کرده بود. (یزدانی، ۱۳۷۴: ۱۰۰)

اسرائیل و کشورهای عربی (ایجاد ناتوی عربی برای کاهش قدرت ایران و محور مقاومت)

دکترین دفاعی جمهوری اسلامی ایران نگاه وسیع به جغرافیای مقاومت، نگاه وسیع فرامرزی، قناعت نکردن به منطقه و امتداد عمق راهبردی هستند که می‌توان گفت استراتژی سیاست خارجی ایران را تشریح می‌کند. این ایران و محور مقاومت بوده‌اند که آمریکا را در منطقه شکست داده‌اند. بنابراین روند راهبردی تحولات جاری به نفع قدرت فزاینده انقلاب اسلامی است، آمریکا و متحدانش نیز متوجه این امر شده‌اند و برای کاهش پیوندهای ایران، طرح ناتوی عربی را دنبال می‌کنند.

تقویت جو علیه ایران در منطقه توسط آمریکا و اسرائیل و دور شدن کشورهای عربی از ایران موجب می‌شود تهدید اسرائیل جای خود را به تهدید ایران دهد و ایران گزینه تهدید جدی برای برخی کشورهای عربی قلمداد شود، همچنین اسرائیل برای شکست محور مقاومت و خروج ا ز محاصره به ضرورت هم پیمانی منطقه‌ای با کشورهای عربی با پشتوانه سیاسی–نظامی آمریکا نیاز دارد و برای مقابله با ایران و محور مقاومت طرح صلح عربی را مطرح کرده و به عنوان استراتژی و رویکرد جدید امنیتی خود دنبال می‌کند. پروژه ایران هراسی و رقابت تسلیحاتی زمینه دیگری جهت تمایل اعراب به سوی آمریکا و اسرائیل می‌باشد و دامن زدن به اختلافات ایران با کشورهای عربی مانند امارات (جزایر سه گانه) و عربستان در موضوع سوریه، یمن، بحرین و مسائل ایدئولوژیک با موضوع دخالت ایران و دیگر موضوعات عاملی برای نفوذ صهیونیسم به این کشورها برای مقابله سازی علیه ایران می‌باشد

می توان گفت که به تدریج برخی از کشورهای عربی به سمت سازش با رژیم صهیونیستی تمایل پیدا کردند و به دلیل فشارهایی که در سطح افکار عمومی داخلی و منطقه با آن مواجه هستند سعی می کنند که روابط خود با این رژیم را مخفی نگه دارند ولی هر از گاهی خبرهایی از دیدار و مناسبات اقتصادی این رژیم‌ها با اسرائیل به خارج درز پیدا می کرد که اکنون با سفر بنیامین نتانیاهو به مسقط پایتخت عمان این روابط شکل علنی به خود پیدا کرد..

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-10]

ایران به عنوان یک بازیگر امنیتی که خلیج فارس را شاه راه حیاتی خود می‌داند اجازه نخواهد داد در همسایگی خود چالش جدید امنیتی با اصلی‌ترین دشمن خود یعنی اسرائیل ایجاد شود. و این طرح صلح اسرائیل و اعراب را تهدیدی برای امنیت منطقه و محور مقاومت (جهان اسلام) می‌داندواین درصورتی است که ایران نمی تواند ببیند که آمریکا و اسرائیل در خلیج فارس منطقه‌ای امن برای بهره برداری‌های سیاسی، امنیتی خود ایجاد کنند تا به راحتی علیه ایران و محور مقاومت استفاده کنند. همچنین از بازوی های قدرت منطقه‌ای ایران یعنی گروه‌های مقاومت و نزدیک به ایران در منطقه نیز نمی‌شود چشم پوشی کرد چرا که معتقد است حضور نیروهای فرا منطقه‌ای چون آمریکا در خلیج فارس تحت هر نام و عنوانی که باشد نه تنها کمکی به تقویت امنیت در این منطقه نمی‌کند، بلکه زمینه تنش و بحران را در منطقه حساس خلیج فارس بیش از پیش فراهم می‌آورد. هرچند دلایل ارتباط اسرائیل با کشورهای حوزه خلیج فارس به آن مشکلاتی باز می گردد که کشورهای عربی و اسلامی به آن مبتلا هستند. مشکلات داخلی ، جنگ سوریه ، مبارزه با داعش، جنگ علیه یمن ، تعمیق اختلاف بین کشورهای اسلامی همه اینها باعث تضعیف و جایگاه این کشورها شده است . عربستان سعودی هم که ادعای رهبری جهان اسلام را دارد ، مدت ها است که مسئله فلسطین را کم رنگ تر کرده است.

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-10]

نتیجه‌گیری:

با پیدایش کشور اسرائیل در سال ۱۹۴۸ م/۱۳۲۷ ش، مسئله فلسطین در رأس مسائل عمده جهان اسلام قرار گرفت. در میان کشورهای اسلامی ایران از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بود. بطوری که مسئله فلسطین به یکی از مسائل عمده محافل سیاسی بطور اعم و محافل سیاسی، مذهبی بطور اخص تبدیل شد. گذشته از موضع گیری این محافل سیاسی، مذهبی دولتهای ایران در قبال این مسئله دو رویکرد متفاوت داشتند که در رویکرد اول، که مواضع بی تفاوت و خنثی داشتند می‌توان به دولت هژیر اشاره نمود و در رویکرد دوم که به این مسئله توجه نموده و اقداماتی را نیز انجام دادند می‌توان به دولتهای ساعد و مصدق اشاره نمود. انقلاب اسلامی د رایران منجر به تغییر چشمگیری در چشم انداز سیاست خارجی کشور و درگشیر شدن آن در صحنه بین الملل شده است. خصومت ذاتی با اسرائیل، رد صهیونیسیم اصل سیاست خارجی ایران می‌باشد، که این نگرشهای ابراز شده توسط، روشنفکران ایرانی نسبت به اسرائیل نمایان گر چارچوب ایدئولوژیک و واقعیت سیاسی ایران می‌باشد. ایران و اسرائیل چالشهای امنیتی، ایدئولوژیکی برای یکدیگر هستند، نگرانی اسرائیل از خیزش‌های عربی ممکن است به نفع ایران باشند و قدرت منطقه‌ای ایران را افزایش دهد، حمایت از ملت مسلمان فلسطین نه تنها دفاع از یک سرزمین اسلامی محسوب می‌شود بلکه جلوگیری از گسترش تهدیدات اسرائیل و حمایت از منافع ملی ایران به شمار می‌آید به طور کلی می‌توان گفت اهداف سیاست خارجی ایران اهداف سیاست خارجی طبق قانون اساسی ایران از این قرار است(حفاظت از استقلال و حاکمیت ملی در عرصه بین الملل. (اصل صدو سی و سوم، دفاع از حقوق مسلمانان، حمایت از مستضعفین در برابر مستکبرین و حمایت از نهضت‌های آزادی بخش(اصل یکصد و پنجاه و چهارم، تلاش در جهت تشکیل امت واحد جهانی و ....) و سرزمین فلسطین به عنوان قبله گاه اول مسلمین دارای قداست و اهمیت معنوی و استراتژیکی است.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-10]

منابع:

- ازغندی، علیرضا (۱۳۷۶). *روابط خارجی ایران: دولت دست نشانده*. تهران: نشر قومس.
- اسلامی، محسن (۱۳۸۸). *سیاست خارجی اسرائیل*. چاپ اول. تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر.
- امینی، داوود (۱۳۸۵). بازبینی مواضع رژیم پهلوی، روحانیت و مردم ایران، در منازعات فلسطین و ایران. *فصلنامه* –گنجینه اسناد، دوره ۱۶، ش ۱.
- تقی‌پور، محمدتقی (۱۳۹۰). *ایران و اسرائیل در دوران سلطنت پهلوی*. تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- ساجدی، احمد (۱۳۸۷) «صهیونیست‌ها بر سر سفره نفت ایران». *مجله الکترونیکی دوران*، اسفند، شماره ۴۰
- سبحانی، سهراب (۱۳۷۷). *توافق مصلحت آمیزروابط ایران و اسرائیل*. ترجمه ع.م.شاپوریان، آمریکا، Ketab Carp.
- چامسکی، نوآم (۱۳۸۷/۲/۱۰)، *«برنامه‌های شهرک‌سازی اسرائیل؛ ایالات شکست خورده»*، ترجمه یعقوب نعمتی و روجنی، جام جم.
- حسن حنفی و غلامرضا رفعت نژاد «رژیم صهیونیستی و مساله یهودیت نوین» *سیاست روز* ۸۰/۲/۶.
- روشندل، جلیل (تابستان و پائیز ۱۳۷۷)، «پیمان امنیتی– نظامی ترکیه و اسرائیل»، *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*، شماره‌های ۲ و ۳، سال پنجم.
- رضوی، مهدی (۱۳۷۹) *نیرنگ سازی صهیونیسم*. تهران: دفترنشر فرهنگ اسلامی.
- *روابط ایران و اسرائیل به روایت اسناد نخست وزیری*، تهران، مرکز اسناد ریاست جمهوری، ۱۳۷۷
- زارع، رضا (۱۳۸۴). *ارتباط ناشناخته: بررسی روابط رژیم پهلوی و اسرائیل (۱۳۵۷–۱۳۲۷)*، تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران
- فردوست، حسین (۱۳۷۱). *ظهور و سقوط پهلوی*. جلد دوم. تهران: اطلاعات.
- *فاز علنی روابط کشورهای سازشکار عربی با اسرائیل؛ چگونه قبح روابط با تل‌آویو شکسته شد؟* (۱۳۹۷) برگرفته از: 08/https://www.tasnimnews.com/fa/news/1397
- فلاح نژاد، علی (۱۳۸۱). *مناسبات ایران و اسرائیل در دوره پهلوی دوم*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- *فلسطین از دیدگاه امام خمینی (ره)(۱۳۷۳)*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار راه امام خمینی (ره).
- قانون، مرتضی (۱۳۷۷). رد پای اسرائیل در ایران. بخش چهاردهم. *روزنامه کیهان*. مورخ ۱۳۷۷/۴/۲۴.
- قانون، مرتضی (۱۳۸۱). *دیپلماسی پنهان: جستاری در روابط ایران و اسرائیل در عصر پهلوی با مروری بر پیشینه تاریخی یهودیان ایران*. تهران: طبرستان.
- عباسی، مجید؛ قیاسی، امیر و باباجانی‌پور، زهرا (۱۳۹۲). راهبرد اتحاد پیرامونی رژیم صهیونیستی و نظریه موازنه تهدید در روابط بین‌الملل. *فصلنامه سیاست خارجی*. سال بیست و هفتم. شماره ۱.
- علی بابایی، غلامرضا (۱۳۶۹). *فرهنگ علوم سیاسی*. جلد اول. تهران: چاپار.
- عزری، مئیر (۱۳۹۳). *خاطرات مئیر عزری، به کوشش غلامرضا امامی*. تهران: نشر علم.

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-10]

- عاقلی، باقر (۱۳۹۴). *روز شمار تاریخ ایران*، ج ۱. تهران: نشر نامک.
- کفاش، مهین (۱۳۸۸). *روابط خارجی ایران*. تهران: انتشارات آوای نور.
- کاکبورن، اندرولسلی (۱۳۷۱)، *ارتباط خطرناک*، ترجمه محسن اشرفی، تهران، انتشارات اطلاعات.
- کسرایی، شاکر (۱۳۸۶/۳/۷)، *«جنگ ۳۳ روزه و بحران بزرگ رژیم صهیونیستی»*، جمهوری اسلامی
- کوهستانی نژاد، مسعود (۱۳۸۲). روابط ایران و اسرائیل در دوره مصدق (۱۳۳۲-۱۳۳۰). *فصلنامه تاریخ روابط خارجی*، شماره ۱۵.
- گل محمدی، احمد (۱۳۸۱). روابط ایران و اسرائیل به روایت اسناد نخست وزیری (۱۲۳۷-۱۳۵۷). *فصلنامه پژوهش حقوق و سیاست*، شماره ۶.
- لعلی، علی‌رضا (فروردین ماه ۱۳۸۷)، *«پیامدهای بین‌المللی، منطقه‌ای و داخلی جنگ ۳۳ روزه»*، خراسان.
- مدنی، سید جلال الدین (۱۳۶۱). *تاریخ سیاسی معاصر ایران*. جلد اول. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- *مرکز اسناد مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران*، سند شماره ۱۵۷-۲۵۱
- محتشم، محی‌الدین (۱۳۸۶/۳/۲۳)، *«مقایسه تطبیقی جنگ ۶ روزه اعراب و جنگ ۳۳ روزه حزب‌ا...»*، حزب‌ا... .
- مافی، کتایون (۱۳۸۵/۵/۲۳)، *«ظهور خاورمیانه جدید بدون برنامه‌ریزی امریکا»*، جام جم.
- نانی، جولیا (بهار ۱۳۷۷)، «دیدگاه‌های امنیتی امریکا و مسأله انتقال انرژی از حوزه خزر»، ترجمه وجیهه صادقیان، *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۲۱، سال ششم.
- ولایتی، علی اکبر (۱۳۸۳). *ایران و تحولات فلسطین (۱۳۵۷-۱۳۱۷)*. تهران: وزارت امور خارجه.
- ولایتی، علی اکبر (۱۳۷۶)، *ایران و مسئله فلسطین*، تهران، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی.
- یزدانی، مرضیه (۱۳۷۴). *اسناد مهاجرت یهودیان ایران به فلسطین*. تهران: انتشارات سازمان ملی ایران.
- هوشنگ مهدوی، غلامرضا (۱۳۹۳). *سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی*. تهران: نشر پیکان.
- Golan, Galia(2008), "1948: Sixty Years After", The Evolution of Israeli Policy on the Israeli- Palestinian Confilict, Vol.15, No. 1&2, available at: www.pij.org
- Baroud, Ramzy (4 June 2008), "Life After Bush: Forecasting Peace in Palestine", available at: www.counter Currents.org/palestines.htm
- Kelly, Lorelei (3 August 2006), "Hezbollah, Israel and Responsibility to protect", available at: www.democracyarsenal.org

به این مقاله این‌گونه ارجاع دهید: DOI:۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۹۰۴۱۱
کشاورزی نیا، علیرضا؛ کلهر، محمد؛ فروزش، سینا (۱۳۹۸)، «تأثیر مساله فلسطین در روابط سیاسی ایران و اسرائیل در طی سال‌های ۱۳۲۷ - ۱۳۹۷»، *فصلنامهٔ پژوهشهای سیاسی جهان اسلام*، س۹، ش۴، زمستان ۹۸، صص ۲۸۱-۲۵۵.

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-10]